

Delineating the Jurisprudential Boundaries of Social Media Filtering: From Legitimacy to Applications, with Emphasis on Governmental Rulings and Citizens' Privacy

Behjat Sadat Ghaffarian Mesgar Moghaddam¹, Ali Vaez Tabasi^{2*} ,
Somayeh Sadeghi³ 

1. Ph.D. Candidate, Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: 0945203055@iau.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). Email: vaez5398@mshdiau.ir
3. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: Sadeghi61@iau.ac.ir

Abstract

Upon accepting the basic principle of the legitimacy of filtering as one of the instruments of governance within the framework of governmental rulings (ahkam hokoomati), the fundamental and often overlooked question arises: what are the permissible scope and examples of exercising this sovereign right? This study, adopting an analytical-descriptive method and grounded in Imami jurisprudence, seeks to move beyond the general proof of legitimacy and instead determine the criteria and precisely outline the specific categories of content subject to filtering based on Islamic legal principles. To achieve this, principles such as Nafy al-Sabil (denial of dominance by non-believers), prohibition of preserving misleading writings, public interest, no harm principle (la darar), and the principle of prioritization between more and less important matters (aham wa mohem) are analyzed not merely as proofs of legitimacy but as measuring frameworks for identifying prohibited content. Findings indicate that each principle covers a defined spectrum of content-from national and military security threats (Nafy al-Sabil) to systematic promotion of atheism and moral corruption (misleading writings)-and, conversely, delineates boundaries of exclusion (such as non-destructive criticism or neutral scientific information). In contrast, the principle of prohibition against violating privacy, itself firmly rooted in strong religious evidences, emerges as the most significant limitation on the exercise of filtering authority. Ultimately, the study presents a hierarchical and multi-criteria model that, by integrating jurisprudential principles with the right to privacy, identifies cases where filtering is absolutely necessary, where alternative minimal interventions (such as age rating or content labeling) suffice, and where governmental interference is not permitted at all. This model underscores the necessity of enacting clear, objective, and supervisable legislation as the only practical path toward achieving this jurisprudential-legal balance.

Keywords: Governmental Ruling, Privacy, Cyberspace, Filtering, Citizens' Rights

Received: 2025/10/16

Revised: 2026/01/30

Accepted: 2026/03/02



© Authors retain the copyright and full publishing rights. **Publisher:** Hazrat-e Masoumeh University

ترسیم حدود فقهی فیلترینگ فضای مجازی: از مشروعیت تا مصادیق با تکیه بر احکام حکومتی و حریم خصوصی شهروندان

بهجت سادات غفاریان مسگر مقدم^۱، علی واعظ طبسی^{۲*}، سمیه صادقی^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ایمیل: 0945203055@iaui.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

ایمیل: vaez5398@mshdiaui.ac.ir

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ایمیل: Sadeghi61@iaui.ac.ir

چکیده

با پذیرش اصل اولیه مشروعیت فیلترینگ به عنوان یکی از ابزارهای حکمرانی در چارچوب احکام حکومتی، پرسش بنیادین و مغفول این است که گستره و مصادیق مجاز اعمال این حق حاکمیتی کدامند؟ این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد فقه امامیه، درصدد است تا با عبور از اثبات کلی مشروعیت، به تعیین معیارها و ترسیم دقیق حدود مصادیق قابل فیلتر بر پایه قواعد فقهی بپردازد. برای این منظور، قواعدی چون نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضلال، مصلحت، لاضرر و اهم و مهم، نه صرفاً به عنوان ادله مشروعیت که به مثابه خطکش‌هایی برای تشخیص محتوای ممنوعه تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد هر یک از این قواعد، دامنه‌ی مشخصی از محتوا را - از تهدیدات امنیت ملی و نظامی (نفی سبیل) تا ترویج سازمان‌یافته الحاد و فساد اخلاقی (کتب ضلال) - در بر می‌گیرد و به طور متقابل، مرزهایی را برای عدم شمول (مانند انتقادات غیرتخریبی یا اطلاعات علمی خنثی) تعریف می‌کنند. در نقطه مقابل، اصل حرمت نقض حریم خصوصی - که خود ریشه در ادله شرعی مستحکمی دارد - به عنوان مهم‌ترین محدودیت اعمال فیلترینگ شناسایی و تحلیل شده است. نتیجه نهایی پژوهش، ارائه الگویی سلسله‌مراتبی و چندمعیاره است که با تلفیق قواعد فقهی و حق حریم خصوصی، مشخص می‌سازد در چه مواردی فیلترینگ ضرورت مطلق دارد، در چه مواردی با ابزارهای حداقلی‌تری (مانند درجه‌بندی سنی یا برچسب‌زنی) قابل مدیریت است و در چه حوزه‌هایی اساساً دخالت حکومتی مجاز نیست. این الگو بر ضرورت تدوین قانون شفاف، عینی و قابل نظارت به عنوان تنها مسیر عملی تحقق این توازن فقهی - حقوقی تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: حکم حکومتی، حریم خصوصی، فضای مجازی، فیلترینگ، حقوق شهروندی

ارجاع به مقاله: غفاریان مسگر مقدم، بهجت سادات، واعظ طبسی، علی، و صادقی، سمیه. (۱۴۰۵). ترسیم حدود فقهی فیلترینگ فضای مجازی: از مشروعیت تا مصادیق با تکیه بر احکام حکومتی و حریم خصوصی شهروندان. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۳(۱)، ۷۰-۹۹.

Doi: 10.22034/cjls.2026.2074910.1075

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (س)

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



مقدمه

جهان معاصر شاهد تحولات گسترده در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است تا جایی که فضای مجازی به بستری تأثیرگذار و اجتناب‌ناپذیر در حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع تبدیل شده است. این گسترش پرشتاب و نفوذ عمیق فضای مجازی در تمامی عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی، حکمرانی در این قلمرو نوین را به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حکومت‌های معاصر تبدیل کرده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، با اتکا به مبانی فقهی و در چارچوب «احکام حکومتی»، «فیلترینگ» را به عنوان یکی از ابزارهای ضروری برای صیانت از امنیت ملی، هویت فرهنگی و ارزش‌های دینی جامعه به رسمیت شناخته است. مبانی کلی مشروعیت این اقدام، با استناد به قواعدی چون نفی سبیل، مصلحت و امر به معروف و نهی از منکر، در آثار فقهی و حقوقی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، پرسشی بنیادین که پاسخ به آن تعیین‌کننده حدود مشروعیت عملی و اخلاقی حکمرانی در فضای مجازی است، کمتر در کانون توجه تحلیلی قرار گرفته است: حاکمیت اسلامی، با تکیه بر کدام ادله و معیارهای عینی فقهی، مجاز است دسترسی به کدام دسته از محتوای خاص در فضای مجازی را محدود یا مسدود نماید؟ به عبارت دیگر، اگر فیلترینگ به عنوان یک «حق» برای حکومت و یک «تکلیف» در قبال مصالح عمومی شناخته می‌شود، گستره و مصادیق مجاز اعمال این حق کدام است و چگونه می‌توان آن را بر پایه متون شرعی تحدید و تبیین نمود؟

این پرسش زمانی ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد که «حریم خصوصی» شهروندان - که خود در فقه اسلامی از حرمت ویژه‌ای برخوردار است و در قوانین اساسی و عادی کشور مورد تأکید قرار گرفته - به عنوان مرزی ناگزیر در مقابل هرگونه مداخله حکومتی قد علم می‌کند؛ بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، یافتن نقطه تعادل فقهی و حقوقی میان دو ارزش کلیدی است: از یکسو، «ضرورت دفاع از کیان جامعه اسلامی در برابر آسیب‌های قطعی یا محتمل فضای مجازی» و از سوی دیگر، «لزوم صیانت از حق بنیادین افراد بر حریم خصوصی و جلوگیری از مداخلات گسترده و سلیقه‌ای».

ضرورت فیلترینگ در این چارچوب، بیشتر مبتنی بر دو محور کلی توجیه می‌شود: نخست، مقابله با تهدیدهای صریح و بالفعل مانند انتشار محتوای مستهجن، تبلیغ خشونت، ترویج خودکشی، اشاعه مواد مخدر و فعالیت گروه‌های تروریستی که امنیت روانی و جسمی

شهروندان را هدف می‌گیرند. دوم، دفع آسیب‌های خزنده و فرهنگی - هویتی که در بلندمدت بنیان‌های اعتقادی و ارزشی جامعه را متزلزل می‌سازند؛ امری که در گفتمان رسمی از آن تحت عنوان تهاجم فرهنگی یا جنگ نرم یاد می‌شود. از منظر فقه حکومتی، بی‌تفاوتی در برابر چنین آسیب‌هایی نه تنها نقض مسئولیت حکومت در حفظ نظام است، بلکه مصداقی از ترک امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه تلقی می‌گردد. بر این اساس، فیلترینگ به مثابه یک اقدام پیشگیرانه و حفاظتی، ضرورتی انکارناپذیر برای صیانت از کیان عمومی جامعه اسلامی قلمداد می‌شود.

خلاً پژوهشی حاضر، نبود تحلیل نظام‌مند فقهی است که از کلیات اثبات مشروعیت فراتر رفته و به تنظیم یک چارچوب تشخیصی و مصداقی برای عمل حکومت بپردازد. این پژوهش درصدد است تا با واکاوی دقیق قواعد فقهی مرتبط، نه تنها پاسخ به پرسش «آیا؟» که پاسخی روشن به پرسش «تا کجا و در مورد چه؟» ارائه دهد.

سوالات تحقیق

با توجه به مسئله فوق، سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. مهم‌ترین قواعد فقهی که می‌توانند به عنوان معیار تشخیص و تحدید حدود محتوای قابل فیلتر در فضای مجازی عمل کنند، کدامند؟
۲. بر اساس هر یک از این قواعد، مصادیق عینی و امروزی محتوایی که مشمول جواز یا وجوب فیلترینگ می‌شود، چیست و چه محتوایی از شمول این قاعده خارج است؟
۳. چگونه می‌توان با تلفیق این قواعد و در نظر گرفتن اصل حرمت نقض حریم خصوصی، به یک الگوی عملی و سلسله‌مراتبی برای اعمال فیلترینگ دست یافت که هم پاسخگوی ضرورت‌های حکمرانی باشد و هم ضامن حقوق شهروندی؟

۱. مفاهیم

برای درک بهتر موضوع قبل از ورود به بحث اصلی، شایسته است مفاهیم بنیادی مرتبط با آن تبیین شوند.

۱-۱. حکم حکومتی

واژه‌ی «حکم» در فرهنگ لغت به معنی داوری و فرمان است و در قرآن نیز به همین معنا به کار

رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۷۵۳) در اصطلاح فقها، حکم اگر در برابر فتوی قرار گیرد، معنایی خاص دارد، اما اگر مطلق آورده شود، به معنی دستور شرعی است. (محقق حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷) فقها به اعتبارات مختلف، حکم را به انواعی چون تکلیفی و وضعی، ظاهری و واقعی و اولیه و ثانوی تقسیم کرده‌اند. (صدر، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۶۷) برخی فقها مانند آیت‌الله منتظری، حکم را به «الهی» و «سلطانی» تقسیم نموده‌اند. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۵) احکام الاهی، احکامی هستند که مستقیماً از جانب شارع مقدس صادر شده‌اند، مانند نماز و روزه. در مقابل، احکام سلطانی یا حکومتی، تصمیماتی هستند که حاکم اسلامی بر اساس کتاب، سنت، عقل، اجماع و با در نظر گرفتن مصلحت جامعه برای اداره امور صادر می‌کند. (یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۴) این احکام در طول احکام اولیه شرع قرار دارند، اما در مقام تراحم، بر آن‌ها حاکمیت می‌یابند.

به طور خلاصه، احکام حکومتی تصمیمات لازم‌الاجرای هستند که ولی فقیه در چارچوب شریعت و بر پایه مصالح متغیر جامعه صادر می‌کند. برخلاف احکام ثابت الاهی، این احکام با توجه به شرایط زمانی و مکانی، قابلیت تغییر و تطبیق دارند. مشروعیت این احکام ناشی از مصلحت عمومی است که با تحولات جامعه، دگرگون می‌شود. (یوسفیان، ۱۳۹۱، ص ۱۴)

در مورد اختیارات ولی فقیه در صدور این احکام، دو دیدگاه اصلی «ولایت مطلقه» و «ولایت مقیده» وجود دارد. طرفداران ولایت مقیده، حوزه اختیارات حاکم را محدود به امور حسیه می‌دانند، در حالی که قائلان به ولایت مطلقه، برای وی تمامی اختیارات لازم برای اداره جامعه اسلامی را همانند معصومین (علیهم‌السلام) قائل هستند، مگر در مواردی که مستلزم ویژگی‌های خاص امامت مانند عصمت باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۷؛ کواکبیان، ۱۳۷۸، ص ۹۱)

۲-۱. حریم خصوصی

حریم خصوصی در فقه اسلامی به معنای پاسداری از فضای شخصی و اطلاعات فردی در برابر تجاوز و دخالت‌های غیرمجاز است. این مفهوم قلمرویی از زندگی انسان را شامل می‌شود که دیگران بدون رضایت او حق ورود، کسب اطلاع یا مداخله در آن را ندارند و فرد در آن از استقلال تصمیم‌گیری برخوردار است. با این حال، این حق در مواردی که با حفظ جان، مال، عرض، نظم عمومی یا مصالح دینی در تعارض قرار گیرد، می‌تواند به‌طور مشروع و محدود مقید گردد. دامنه حریم خصوصی، بسته به فرهنگ و نوع حکومت، ممکن است

گسترده یا محدود باشد و صیانت از اسرار شخصی و حقوق فردی را دربر گیرد. در فقه اسلامی، ابعاد گوناگون حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی معنوی (مانند منع تفتیش عقاید)، حریم اماکن و منازل و حریم اطلاعات. با توسعه فناوری‌های نوین، حریم خصوصی به دو حوزه فیزیکی و مجازی تقسیم شده است. حریم فیزیکی شامل مواردی مانند تمامیت بدنی، پوشش، محل سکونت و کار است؛ در حالی که حریم مجازی ناظر بر روابط و فعالیت‌های افراد در بسترهای دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، سایت‌ها و اپلیکیشن‌ها می‌باشد. اهمیت شناسایی و حمایت از حریم خصوصی مجازی، به ویژه با توجه به در دسترس بودن انبوه اطلاعات شخصی و ملی در فضای دیجیتال، روزافزون است. (آقابابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۸-۱۹۱) اگرچه اصطلاح «حریم خصوصی» به صورت ترکیبی در متون قدیم فقهی کمتر دیده می‌شود، اما مبانی و مصادیق آن به صورت پراکنده در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله این مبانی می‌توان به نهی از تجسس در امور شخصی، حرمت غیبت، منع اکل مال به باطل، تقبیح سوءظن، منع اشاعه فحشا و ممنوعیت ورود به منازل بدون اجازه اشاره کرد.

۳-۱. فضای مجازی

فضای مجازی به محیطی مبتنی بر شبکه‌های دیجیتال اطلاق می‌شود که از تعامل کاربران شکل می‌گیرد و بستری برای ارتباطات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌کند. این فضا شامل سکوه‌های دیجیتال مانند شبکه‌های اجتماعی، سایت‌ها، اپلیکیشن‌ها و سیستم‌های ابری است که با استفاده از اینترنت، اطلاعات و خدمات متنوعی را به کاربران ارائه می‌دهند. (آزادی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴) فضای مجازی امروزه به یک رکن اصلی زندگی مدرن تبدیل شده و علاوه بر کاربردهای سرگرمی، به عرصه‌ای برای آموزش، تجارت و کار بدل گشته است. با وجود مزایای متعدد از جمله دسترسی آسان به اطلاعات و ایجاد فرصت‌های شغلی، چالش‌هایی همچون کاهش تعاملات حضوری، اعتیاد اینترنتی و تهدیدات امنیتی از جمله معایب آن محسوب می‌شوند. این فضا با وجود عنوان مجازی، به دلیل آثار ملموس و واقعی، به جهانی حقیقی شبیه‌سازی شده تبدیل گشته است. (طلوعی، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

۴-۱. فیلترینگ^۱

یکی از روش‌های مقابله با این تهدیدها، پالایش یا همان فیلترینگ است که به معنای تصفیه و پالیدن می‌باشد. باید توجه داشت که فیلترینگ با سانسور تفاوت دارد؛ سانسور به معنای منع مطلق و حذف محتوا از چرخه انتشار است، در حالی که فیلترینگ بیشتر ناظر بر مدیریت دسترسی و هدایت کاربران به سوی منابع سالم و مجاز است.

در فقه اسلامی، فیلترینگ به مثابه پالایش و محدودسازی دسترسی کاربران به محتوای موجود می‌باشد و مبتنی بر قاعده دفع افسد به فاسد و تکلیف حکومت در صیانت از مصالح عامه تعریف می‌شود. بر این اساس، مسدودسازی محتوایی که به صورت قطعی و مسلم، ناقض یکی از ضروریات پنج‌گانه (دین، جان، عقل، نسل و مال) باشد یا مفسده‌ای آشکار مانند اشاعه فحشا یا تهدید امنیت ملی را در پی داشته باشد، نه تنها جایز بلکه در مواردی واجب حکومتی است. این اقدام، در ذیل فریضه نهی از منکر در سطح کلان و با هدف حفظ سلامت فضای عمومی جامعه صورت می‌گیرد. (امام خمینی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۵) حال آنکه سانسور به حذف یا تغییر محتوا و بازبینی پیش از انتشار اشاره دارد؛ در واقع سانسور در لغت به معنای بازبینی و در حقوق به محدودسازی سیستماتیک و غیرشفاف اطلاعات توسط حکومت، فراتر از چارچوب‌های قانونی پذیرفته‌شده، اطلاق می‌شود. از منظر فقهی، سانسور هنگامی رخ می‌دهد که حکومت از مرز جلوگیری از منکر قطعی مانند فحشا یا تهدید امنیت ملی عبور کند و حقوق مشروع مردم مانند حق النصیحة (خیرخواهی و نقد سازنده) و حق الأمة فی الرقابة (نظارت امت بر حکومت) را محدود نماید. چنین عملی، مصداق کتمان الحق (پنهان کردن حقیقت) بوده و با تکلیف الامر بالمعروف و النهی عن المنکر در تضاد است، چرا که با سلب امکان تشخیص درست از نادرست، خود به مانعی در برابر اجرای این فریضه تبدیل می‌شود؛ که از این دو ابزار در کشورهای مختلف برای کنترل جریان اطلاعات استفاده می‌شود. این فرآیند در عرصه اینترنت با هدف مدیریت فضای مجازی، صیانت از حقوق شهروندان و ایجاد محیطی سالم به کار گرفته می‌شود. اینترنت با وجود ظرفیت‌ها و خدمات گسترده، تهدیدها و آسیب‌هایی نیز به همراه دارد که نباید نادیده گرفته شود؛ بنابراین، فیلترینگ رویکردی مدیریتی و حفاظتی دارد و هدف آن سالم‌سازی فضای مجازی است، نه خاموش کردن کامل جریان اطلاعات. (نصراللهی، ۱۳۹۴،

1. Filtering

ص ۸۰) فیلترینگ می‌تواند از طریق ابزارهای فنی یا قانونی اجرا شود. مراد از فیلترینگ فنی عبارت است از استفاده از تجهیزات فنی برای پالایش اینترنت و مقصود از فیلترینگ قانونی، اعمال قوانین برای محدودیت و نظارت بر محتوا می‌باشد. در واقع فیلترینگ مفهومی سلبی دارد که محدودیت، اجتناب و حذف را به دنبال دارد. (معتمد نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵۴) لازم به ذکر است که دامنه فیلترینگ هرچه محدودتر باشد، از منظر عقلی و حقوقی موجه‌تر است و در مقابل فیلترینگ گسترده و شدید ناموجه می‌باشد.

باید توجه داشت که؛ فیلترینگ در ایران از اواسط دهه ۱۳۷۰ و همزمان با گسترش عمومی اینترنت آغاز شده و فرآیندی پویا و چندلایه را طی کرده که از کنترل اولیه و محدود محتوای غیراخلاقی، به تدریج به سمت نظامی پیچیده، نهادینه و چندبعدی حرکت کرده است. این روند با تأسیس نهادهای تخصصی مانند کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه در سال ۱۳۸۰ و تصویب قوانینی چون قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، شتاب گرفت و در ادوار مختلف، متناسب با تحولات سیاسی - اجتماعی مانند انتخابات ۱۳۸۸ و اعتراضات ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و رشد فناوری، ابعاد امنیتی و کنترلی آن گسترش یافت. در سال‌های اخیر، با طرح‌هایی مانند شبکه ملی اطلاعات و قوانین جدید مانند حمایت از حقوق کاربران، فیلترینگ نه تنها به عنوان یک ابزار محدودکننده، بلکه به بخشی از استراتژی کلان حاکمیت سایبری تبدیل شده است که هدف آن کاهش وابستگی به زیرساخت‌های بین‌المللی و تقویت پلتفرم‌های داخلی عنوان می‌شود. این تحولات، فضای مجازی ایران را به عرصه‌ای برای تقابل گفتمان‌های مختلف درباره مرزهای آزادی بیان، امنیت ملی، حکمرانی دیجیتال و حقوق شهروندی تبدیل کرده است. (فیروزآبادی و احمدآبادی، ۱۴۰۰، ص ۵۷۲)

۵-۱. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یکی از مفاهیم نوین و مهم در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت‌های مدرن معاصر به شمار می‌رود. این اصطلاح ترکیبی از دو واژه «حقوق» و «شهروند» است. «حقوق» جمع «حق» به معنی امتیازاتی است که فرد در یک جامعه دارد و دیگران موظف به رعایت آن‌ها هستند. منبع این حقوق می‌تواند قانون، قرارداد، عرف یا عادت باشد. (امامی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۲) واژه «شهروند» از دو بخش تشکیل شده است: «شهر» که به معنای جامعه انسانی است و «وند» که به معنای عضوی وابسته به آن جامعه؛ بنابراین، کسی

که به عنوان شهروند شناخته می‌شود، به دلیل تعلقش به یک نهاد سیاسی مانند دولت - کشور، از حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی برخوردار است. (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۴۱) حقوقدانان، ترکیب این دو واژه را چنین شرح داده‌اند: مجموعه‌ای از حقوق، امتیازات و اختیارات افراد یا گروه‌هایی از مردم که با یک حکومت در یک کشور رابطه‌ی شهروندی (تابعیت) دارند و بهره‌مندی از این حقوق و مزایا، مشروط به انجام وظایف شهروندی و رعایت قوانین و مقررات عمومی آن کشور است. به این ترتیب، حقوق شهروندی مفهومی نوظهور بوده و به افرادی اطلاق می‌شود که در محدوده قلمرو یک دولت - کشور زندگی می‌کنند و دولت در مقابل انجام تعهدات آن‌ها، آزادی‌ها و حقوق مشخصی را برایشان به رسمیت می‌شناسد. (گرچی ازندریانی، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۹۸)

۲. فرامین رهبری در باب اهمیت و ضرورت مدیریت فضای مجازی

با توجه به اهمیت استفاده از فرصت فضای مجازی و لزوم مدیریت این فضا، برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی رهبر انقلاب (مد ظله العالی) در ضمن سخنرانی‌های خود در مناسبات گوناگون، به این مهم پرداخته‌اند که بدین شرح می‌باشد:

۱-۲. محوریت مدیریت فضای مجازی در چشم‌انداز کوتاه مدت و میان مدت

مدت

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۹۹ در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیریت فضای مجازی را از مسائل کلیدی و مهم کشور دانستند که نه تنها بلند مدت بلکه کوتاه مدت و میان مدت هم هست و باید به آن توجه ویژه‌ای شود. ایشان تأکید کردند که نباید درگیر حاشیه‌ها و امور فرعی و کم اهمیت شد و باید تمرکز بر موضوع اصلی مدیریت فضای مجازی باشد. همچنین رهبری بارها به ضرورت مدیریت هوشمندانه و مقتدرانه فضای مجازی، تشکیل شورای عالی فضای مجازی و ایجاد شبکه ملی اطلاعات اشاره کرده‌اند و نسبت به عدم توجه کافی به این موضوع هشدار داده‌اند. ایشان دغدغه‌های مهمی از جمله حفاظت از امنیت روانی جامعه در برابر هجمه‌ها و سوء استفاده‌های فضای مجازی مطرح کرده‌اند و بر لزوم برنامه‌ریزی جامع کوتاه مدت و میان مدت برای مقابله با تهدیدات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این فضا تأکید ورزیده‌اند. (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بی‌تا)

۲-۲. ضرورت راه اندازی شبکه ملی اطلاعات

رهبر معظم انقلاب اسلامی، اهمیت بسزایی برای مدیریت فضای مجازی قائل هستند و شبکه ملی اطلاعات را به عنوان یکی از زیر ساخت‌های حیاتی در این زمینه مطرح می‌نمایند. ایشان در حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، وظایف این شورا را در ده محور مهم معین کردند که یکی از تأکیدات اصلی آن، تسریع در راه اندازی شبکه ملی اطلاعات پس از تصویب طرح و نظارت مستمر و مؤثر بر روند اجرایی آن است. این شورا مأموریت دارد تا با سیاست‌گذاری کلان، مدیریت همه جانبه، برنامه‌ریزی به هنگام و نظارتی دقیق، تحولات فضای مجازی را به شکل هوشمندانه و مقتدرانه هدایت و کنترل نماید. در دیدار با هیئت دولت در دوم شهریورماه ۱۳۹۹، رهبر انقلاب بار دیگر بر اهمیت فضای مجازی به عنوان بخشی جدانشدنی از زندگی مردم تأکید کردند و خاطر نشان نمودند که مدیریت این فضا در حال حاضر خارج از اختیار ماست و این امر موجب نگرانی جدی است. ایشان بیان داشتند که فضای مجازی مانند یک جریان آب روان نیست که هر کس هر گونه بخواهد از آن بهره برداری کند؛ بلکه عده‌ای خارج از مرزهای ما در حال هدایت و مدیریت این فضا هستند؛ بنابراین، ما نمی‌توانیم در مقابل این واقعیت ساکت بمانیم و مردمان را که به شدت به فضای مجازی وابسته‌اند، بی‌پناه رها کنیم. شبکه ملی اطلاعات به عنوان یک ساختار زیرساختی و استراتژیک، می‌تواند زمینه لازم برای مدیریت مستقل، امن و مقتدر فضای مجازی در سطح کشور را فراهم آورد. این شبکه با فراهم نمودن زیرساخت‌های ارتباطی، خدمات عمومی داخلی، پیام رسان‌های بومی، موتورهای جستجو و خدمات ابری قادر است امنیت داده‌ها و حریم خصوصی کاربران را تضمین کند و از وابستگی کشور به سرویس‌ها و زیرساخت‌های خارجی بکاهد. بدین ترتیب، علاوه بر ارتقای امنیت سایبری و حفظ حقوق کاربران، فرصت‌های توسعه فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال در داخل کشور افزایش خواهد یافت. (همان)

۲-۳. آفت‌ها و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی

رهبر انقلاب یازدهم شهریورماه ۹۹ نیز در بیاناتی در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش به آفت‌ها و زیان‌های احتمالی در آموزش مجازی اشاره داشتند.

ایشان فرمودند: «در باب آموزش مجازی، یک نکته دیگر هم وجود دارد و آن، زیان‌هایی است که احتمالاً در آموزش مجازی وجود دارد. حالا این شبکه «شاد» که به وجود آمده،

بسیار چیز خوبی است. منتها بایست مراقبت کنید تا این موجب این نشود که جوان‌ها وارد فضای بی‌بند و بار و رهای اینترنت بشوند و سرشان گرم بشود به یک چیزهای دیگری که هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ اعتقادی خطرهای بزرگی برای این‌ها دارد؛ این را باید به طور کامل مراقبت بکنید، یعنی پیش‌بینی کنید. البته دیروز پریروز در زمینه فکری که آموزش و پرورش در این زمینه کرده، به من یک گزارشی دادند، منتها باید کار کنید در این زمینه؛ یعنی کاری است که نمی‌شود آن را رها کرد». (همان)

۴-۲. لزوم برنامه‌ریزی برای مقابله با تهدیدهای جدید فضای مجازی

رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در مهرماه ۹۹ نسبت به پیش‌بینی و لزوم برنامه‌ریزی برای مقابله با تهدیدهای جدید فضای سایبر، هشدار دادند. ایشان فرمودند: «من چند توصیه می‌خواهم عرض بکنم. یک توصیه مهم مربوط به دانشگاه‌ها است. یک کار مهم این است که بدانیم تهدیدهای متوجه به کشورها (کشور ما و دیگر کشورها) دائم در حال تحول است. آن چیزی که امروز یک تهدید نظامی شمرده می‌شود، لزوماً همان چیزی نیست که بیست سال پیش تهدید نظامی شمرده می‌شد؛ تهدیدهای جدیدی به صورت تهدید نظامی وجود دارد. چون تهدیدها در حال تحول است».

هم چنین تأکید کردند: «دانشگاه‌های نظامی ما هم باید برای مقابله با تهدیدهای نوبه‌نو و جدید، برنامه داشته باشند؛ این باید در پژوهش‌های دانشگاه‌ها مورد توجه قرار بگیرد: برای مقابله برنامه داشته باشند. علاوه بر این، اصلاً تهدیدهای جدید را پیش‌بینی کنند؛ یعنی شما مثلاً فرض کنید امروز تهدیدهای فضای مجازی وجود دارد که ۱۰ سال پیش به این صورت وجود نداشت و ممکن است چند سال بعد از این هم تهدیدهای دیگری از همین قبیل به وجود بیاید؛ افراد با فکر ما بنشینند و با استفاده از خرد جمعی و پژوهش‌های دانشگاه‌های ما این‌ها را پیش‌بینی کنند. این باید بخش مهمی از فعالیت دانشگاه‌های ما باشد و دانشگاه‌ها حرف جدی باید در این زمینه برای گفتن داشته باشند». (همان)

۵-۲. حفظ امنیت روانی مردم

حفظ امنیت روانی مردم، یکی از دغدغه‌های مهم رهبر معظم انقلاب به شمار می‌آید. در شرایط حاضر، فضای مجازی به طور جدی تهدیدی برای آرامش و امنیت روانی جامعه شده

است و دشمنان با بهره برداری هدفمند از این فضا، موجی از بی‌اعتمادی و ناامیدی را در افکار عمومی ایجاد کرده‌اند. مقام معظم رهبری معتقدند که تأمین امنیت روانی مردم از جمله حقوق اساسی آنان است و فضای مجازی روزه‌روز با انتشار شایعات در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، احساس نگرانی و دلسردی را در جامعه گسترش می‌دهد. ایشان در سخنرانی آغاز سال ۱۴۰۰ به این مسئله اشاره کردند و با نگرانی از وضعیت مدیریت این فضا، اظهار داشتند: «متأسفانه در فضای مجازی کشور، دقت لازم و مراقبت‌های کافی به چشم نمی‌خورد و این حوزه همچنان رها و بدون کنترل است». (همان) رهبر انقلاب تأکید کردند که فضای مجازی نباید به دست دشمنان سپرده شود. برخلاف بسیاری از کشورهای جهان که ضابطه و کنترل منطقی بر فضای مجازی خود اعمال می‌کنند، متأسفانه در برخی موارد ما به اشتباه این فضا را آزاد و بدون محدودیت اختیار دشمن گذاشته‌ایم که اصلاً قابل افتخار نیست. طبق نظر ایشان، لازم است فضای مجازی به صورت هوشمندانه و حساب شده مدیریت شود. در عین حال، مردم باید بتوانند از امکانات و مزایای این فضا بهره‌مند شوند، اما در هیچ شرایطی نباید اجازه داد دشمنان با سوءاستفاده از این بستر، به کشور و ملت حمله کرده و به توطئه چینی بپردازند.

۶-۲. صیانت از حریم خصوصی افراد

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ در دیدار جمعی از مسئولان و مدیران نظام، بر حفظ امنیت و حریم خصوصی افراد تأکید کردند. رهبر انقلاب با ابراز خرسندی از تبدیل شدن مطالبه ایجاد پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی داخلی به مطالبه‌ای عمومی، گفتند: «مسئولان باید امنیت و حریم داخلی مردم و کشور را حفظ کنند. تعرض به امنیت و حریم داخلی مردم «حرام شرعی» است و نباید انجام شود». با رعایت حریم جامعه هم امنیت خانواده‌ها تأمین می‌شود و هم مردم آرامش پیدا می‌کنند. کشوری که می‌خواهد بر اساس مبانی اسلام پیش برود، باید به این امر اهتمام بورزد. نباید فراموش کرد که احساس امنیت بالاترین سرمایه در یک کشور است که هر خانواده‌ای حق بهره‌مندی از آن را دارد. (همان)

۷-۲. فرصت فضای مجازی برای بصیرت آفرینی

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی به مناسبت عید مبعث در ۲۱ اسفند ۱۳۹۹؛ بر ۷ توصیه به جوانان در استفاده از فضای مجازی تأکید دارند. ایشان در این سخنرانی بیان فرمودند: «امروز

فضای مجازی یک فرصت است؛ حالا دشمنان از این فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند اما شما جوان‌های عزیز این جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه به صبر، برای توصیه به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصیه به خسته نشدن، تنبلی نکردن، بیکار نماندن و مانند این‌ها». با توجه به موارد یاد شده و توصیه‌های بسیار دیگر در می‌یابیم که مدیریت فضای مجازی از امور مهم و اولویت‌دار بوده و انسجام و سازماندهی این فضا همانند فضای واقعی مد نظر ولی فقیه می‌باشد و باید همانطور که از ورود دشمن به مرزهای جغرافیایی فیزیکی ممانعت می‌کنیم؛ در این فضا هم که با زندگی روز مره و حال و آینده ما در هم تنیده شده است اهتمام جدی داشته باشیم و از آنجا که حکم حکومتی لازم الاجراست؛ راهکارهای قانونی برای رسیدن به فضای امن مجازی ارائه دهیم.

۳. مبانی فقهی فیلترینگ

گذشته از احکام و فرامین حکومتی که خود مبنای فقهی در خصوص لزوم سازماندهی فضای مجازی و پالایش آن از نفوذ دشمن دارد با تحقیق در کتب فقهی و تنقیح مناط می‌توان اهم مبانی و ادله فقهی فیلترینگ را به شرح زیر برشمرد:

۱-۳. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از اصول مهم فقهی در اسلام مطرح می‌شود که بر اساس آن، هرگونه سلطه و ولایت کفار بر مسلمانان ممنوع است. این قاعده بر مبنای آیات قرآن، روایات و اجماع فقها استوار است و در موارد متعددی به عنوان مبنای استنباط احکام فرعی فقهی قرار گرفته است. قاعده نفی سبیل ریشه در بسیاری از آیات قرآن دارد که آیه نفی سبیل و حدیث نبوی به نحو صریحی بر این قاعده دلالت دارند. هم چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ نساء آیه ۱۴۱، که این آیه بر منع هرگونه سلطه کفار بر مؤمنین تأکید دارد. همچنین، حدیث نبوی «الإسلام يعلو ولا يُعلَى عليه» بر این قاعده تأکید دارد می‌باشد. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴) علاوه بر این، همه‌ی فقهای عظام، ادعای اجماع دارند که در اسلام هیچ گونه حکمی تشریع نشده است که موجب سلطه و علو کافر بر مسلم باشد. (بجنوردی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۶۴) این قاعده در موارد متعددی مورد استفاده قرار گرفته است که فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و قانون نفی کاپیتولاسیون توسط امام

خمینی (رحمه الله) نمونه‌هایی از کاربرد این قاعده در تاریخ معاصر می‌باشد که نشان دهنده اهمیت و تأثیرگذاری قاعده نفی سیل در مواجهه با سلطه غیر مسلمانان است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۲-۲۳۳) قاعده مذکور در زمینه‌های مختلفی از جمله سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی استفاده شده است و هر حکمی که مستلزم تسلط کفار بر مسلمانان باشد را از اعتبار ساقط می‌کند. لازم به ذکر است که سلطه دشمن از طرق مختلفی ممکن است تحقق یابد که با توسل به این قاعده باید از آن جلوگیری بعمل آید؛ این سلطه‌های احتمالی عبارتند از:

- سلطه فکری: دشمنان اسلام با استفاده از سایت‌های انحرافی سعی در تأثیرگذاری بر افکار کاربران دارند. جلوگیری از این تأثیر با استفاده از فیلترینگ مقدور می‌باشد.
- سلطه فرهنگی: فرهنگ هر جامعه برای همبستگی افراد و هویت آن جامعه مهم است. دشمنان اسلام با تهاجم فرهنگی از طریق اینترنت سعی در تخریب اخلاق و اعتقادات دینی مسلمانان دارند؛ که گاه با راه اندازی شبکه‌ها کانال‌ها و سایت‌های مخرب و التقاطی در این زمینه فعالیت مخرب دارند.
- سلطه سیاسی: برخی سایت‌ها با انتشار شایعات و مطالب ضد اسلامی، تنش‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند. چنانکه در فتنه اخیر تحت عنوان زن زندگی آزادی موجبات آشوب‌های خیابانی و ناامنی‌ها برای مردم شدند و باعث اختلال در نظم جامعه و به خطر افتادن جان عده‌ای بی‌گناه شدند بنابراین فیلترینگ این سایت‌ها می‌تواند از وقوع این مشکلات جلوگیری کند.
- سلطه دینی: دشمنان اسلام با استفاده از اینترنت سعی در تضعیف اعتقادات دینی و ترویج مذاهب ضاله دارند. فیلترینگ این سایت‌ها می‌تواند از این تهاجم‌ها جلوگیری کند. (حسین نژاد، ۱۳۹۶، ص ۳۵)

با توجه به دغدغه مقام معظم رهبری مبنی بر مدیریت فضا مجازی و فرمان ایشان مبنی بر دفع و جلوگیری از نفوذ دشمن و همچنین تلاش دشمنان به منظور اعمال سلطه خویش با ابزارهای جدید و گاه غیر مادی از طریق سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی... فیلترینگ به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با نفوذ و حفظ استقلال و هویت اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال باید توجه داشت که اجرای فیلترینگ نباید تنها در حد شعار یا بیان لفظی باقی بماند، بلکه باید به نتایج عملی منجر شود. برای تحقق این هدف، لازم است راه‌های فرار و دور زدن آن مسدود گردد و این محدودیت به‌طور برابر بر همه افراد

اعمال شود؛ مگر در موارد اضطراری که افسران جنگ نرم ناگزیر از فعالیت در سرویس‌های خارجی هستند. البته این افراد نیز موظف‌اند در تمامی فعالیت‌های خود، حرمت و حریم خصوصی دیگران را رعایت کنند. از این رو فقها بر اساس این قاعده، احکامی را که موجب تسلط سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی غیرمسلمانان گردد، باطل می‌شمردند. (بجنوردی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۶۵) این قاعده در تاریخ معاصر، مبنای فقهی مقابله با استعمار و سلطه خارجی بوده است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۲) بنابراین گستره مجاز اعمال فیلترینگ محتوایی است که اقدام عملی، هماهنگ و مستقیم در راستای اعمال سلطه دشمن بر کشور اسلامی باشد که مصادیق آن شامل:

- پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رسمی گروه‌های تروریستی تکفیری یا سازمان‌های معاند که خواستار براندازی خشونت‌آمیز نظام هستند.
 - کمپین‌های سازمان‌یافته‌ی برون‌مرزی برای ایجاد اغتشاش گسترده، تجزیه‌طلبی یا اخلال در تمامیت ارضی.
 - شبکه‌هایی که به صورت سیستماتیک به جذب، آموزش و هدایت نیرو برای انجام عملیات علیه امنیت ملی می‌پردازند.
 - مرزهای قاعده و محتوای غیرقابل شمول: قاعده نفی سبیل، مجوزی برای سانسور هرگونه انتقاد یا دیدگاه متفاوت نیست؛ بنابراین، موارد زیر عموماً مشمول این قاعده نمی‌گردند:
 - انتقادات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی که در چارچوب قانون اساسی و به روش‌های مسالمت‌آمیز بیان می‌شوند.
 - بیان عقاید و دیدگاه‌های متفاوت فکری و سیاسی، صرفاً به دلیل تفاوت با گفتمان رسمی.
 - محتوای علمی یا خبری خنثی، حتی اگر از منابع خارجی منتشر شود.
- لازم به ذکر است که فیلترینگ مبتنی بر این قاعده، از اولویت برخوردار است، زیرا با صیانت از اصل «حفظ نظام» که از اوجب واجبات است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰۴)، مرتبط می‌باشد.

۲-۳. حرمت حفظ کتب ضلال (گمراه کننده)

از جمله ادله‌ای که می‌تواند به عنوان مستند وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی مورد توجه قرار گیرد، حرمت حفظ کتب ضلال است. فقها در حفظ کتب ضلال بر مبنای آیات،

روایات و اجماع حکم به حرمت آن داده‌اند که مبانی آن در کتب فقهی به صورت مفصل آمده است. حرمت نگهداری کتب ضلال از آن جهت است که مطالعه و دسترسی به محتوای آن‌ها منجر به گمراهی افراد می‌شود. امام خمینی (رحمه الله) در تحریر الوسيله در این باب می‌فرماید: «حفظ کتب ضلال، بازنویسی، قرائت، درس و تدریس آن‌ها حرام است، اگر غرض صحیحی در بین نباشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۵۷) آنچه که مسلم است آن است که حفظ و نگهداری کتب ضلال در شمار عناوینی قرار دارد که در فقه ما ممنوع شناخته شده است و حتی از بین بردن آن واجب است و از آنجا که کتاب بودن، در این مقوله موضوعیتی ندارد، هر آنچه که مصداق ضلال بودن محسوب گردد، همین حکم را دارد. با در نظر گرفتن اصل تنقیح مناط و الغای خصوصیت، این تعریف به نوشته‌های مجازی هم گسترش می‌یابد. به همین دلیل، سایت‌هایی که حاوی مطالب ضلالت‌آور هستند و توسط کاربران مطالعه می‌شوند مشمول حکم حرمت شده و از بین بردن آن‌ها واجب است. همچنین، با توجه به تناسب میان حکم و موضوع در آیات و روایات و با استفاده از اصل تنقیح مناط، مواردی مانند فیلم، ویدیو، آهنگ، اسلاید و برنامه‌های کامپیوتری نیز در صورت ایجاد گمراهی، مشمول حکم حرمت می‌شوند؛ بنابراین سایت‌های حاوی مطالب ضلالت‌آور که باعث گمراهی افراد می‌شوند، باید فیلتر شوند تا از دسترسی کاربران به این محتوا جلوگیری شود. فیلترینگ این سایت‌ها از جهت جلوگیری از گمراهی و فساد الزامی است. هر چند مقتضای ادله حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن، از بین بردن سایت‌های انحرافی ضروری است و به تعبیر دیگر، مسدودسازی آن سایت‌ها لازم است، ولی باید در نظر داشت که از بین بردن سایت‌های انحرافی در بسیاری موارد دشوار و ناممکن است؛ بنابراین، فیلترینگ به عنوان مرحله نازل‌تر و راه‌حل جایگزین پیشنهاد می‌شود تا از دسترسی کاربران به این سایت‌ها جلوگیری شود و خطر گمراهی به حداقل برسد.

مصادیق و مرزها:

مصادیق مجاز فیلترینگ با توجه به این اصل مسلم فقهی محتوایی که به صراحت و به صورت نظام مند به انکار ضروریات دین، ترویج مکاتب الحادی یا نشر فساد اخلاقی فراگیر می‌پردازد؛ مانند:

- سایت‌ها و کانال‌های فعال در تبلیغ آیین‌های انحرافی یا فرقه‌های ساختگی با هدف جذب عضو.

- پایگاه‌هایی که به تولید انبوه و هدفمند محتوای مستهجن و خلاف عفت عمومی می‌پردازند.
 - محتوایی که به تحریف آشکار تاریخ صدر اسلام یا توهین به مقدسات اسلامی اقدام می‌کند.
 - مرزهای قاعده و محتوای غیرقابل شمول: این قاعده، ناظر بر محتوای دارای غرض گمراه‌کننده است؛ بنابراین:
 - مطالب علمی، تاریخی یا کلامی که با انگیزه پژوهشی و در فضای آکادمیک به نقد یا بررسی برخی گزاره‌های دینی می‌پردازند، لزوماً مصداق «ضلال» محسوب نمی‌شوند.
 - ابراز شک‌ها یا پرسش‌های فردی در حوزه اعتقادات (بدون قصد تبلیغ و اغوا)، عموماً در دایره این حکم قرار نمی‌گیرد.
- درجه اهمیت فیلترینگ این محتوا نیز دارای اولویت است، زیرا مستقیماً با حفظ اعتقادات عمومی و اخلاق جامعه مرتبط است.

۳-۳. قاعده مصلحت

- قاعده مصلحت از قواعد مهم فقهی است که آیات قرآن و روایات متعدد بر آن تأکید داشته و فقها در استنباط احکام از آن بهره برده‌اند. از دیدگاه فقهای شیعه، احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد واقعی وضع شده‌اند؛ بدین معنا که هرگاه خداوند فعلی را واجب نموده، به دلیل منفعت موجود در آن بوده و هرگاه از عملی نهی کرده، به جهت مفسده نهفته در آن بوده است. میرزای نائینی در این باره تصریح می‌کند: «همانا راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات نیست؛ زیرا در افعال - با قطع نظر از امر و نهی شارع - مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد، علل و مناطات احکام هستند». (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۹)
- طبیعت پویا و متغیر احکام حکومتی، لزوم توجه به عنصر مصلحت را در صدور آن‌ها ایجاب می‌نماید. بر این اساس، حاکم فقیه با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و سایر مقتضیات، مصلحت عمومی را تشخیص داده و احکام حکومتی را صادر می‌نماید. از جمله مهم‌ترین مصادیق مصلحت در عرصه رسانه، «حفظ نظام» است که دارای ابعاد سه‌گانه زیر می‌باشد:
- حفظ نظم و آراستگی داخلی جامعه و ساماندهی نظام معیشتی؛
 - حراست از کیان کشور اسلامی در برابر هجمه دشمنان خارجی؛

• حفظ حکومت اسلامی به عنوان نماد اسلام که تضعیف آن می‌تواند به نابودی اسلام

بیانجامد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۰۴)

با توجه به محوریت مصلحت، این عنصر بدون قید و شرط می‌تواند مبنای صدور احکام حکومتی در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... قرار گیرد. در بحث حاضر، مصالح سیاسی - اجتماعی، منشأ اصلی تمسک به این قاعده است. از آنجا که سایت‌های مخالف قانون و هنجارهای اسلامی به ترویج فساد اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و مالی می‌پردازند، با استناد به مقتضای قاعده مصلحت، می‌توان وجوب اعمال فیلترینگ را استنتاج نمود.

۴-۳. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از اصول فقهی بسیار مهم و پرآشاره است که در بیشتر ابواب فقه کاربرد دارد و مبانی محکمی در آیات و روایات دارد. این قاعده بر این اصل تأکید می‌کند که اسلام هیچ حکم و قانونی را که موجب ضرر به خود یا دیگران باشد تشریع نکرده است؛ همان گونه که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده‌اند: «لاضرر و لاضرر فی الاسلام». (بجنوردی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۹۵) از این رو، هر نوع بهره‌گیری از رسانه‌ها که امنیت فردی یا جمعی را به خطر اندازد، ممنوع است. روایت مهمی که از سمره بن جندب نقل شده است نیز یکی از دلایل روایی قاعده لاضرر به شمار می‌رود؛ جایی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دلیل بروز ضرر ناشی از برهم خوردن امنیت اجتماعی، اجازه تصرف سمره در درختش را ندادند. ضرری که در این روایت مطرح است، نه ضرر شخصی بلکه لطمه به امنیت خانواده و جامعه بود. (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۳۶۷) این روایت به وضوح نشان می‌دهد که اسلام اجازه نمی‌دهد از طریق رسانه یا هر وسیله دیگری، امنیت فردی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گیرد.

در حوزه فضای مجازی و فیلترینگ، حاکم اسلامی براساس این قاعده می‌تواند با اعمال محدودیت بر فضاهای سایبری از رسیدن ضرر به اقشار جامعه جلوگیری کند، به ویژه هنگامی که امنیت روانی و فرهنگی جامعه اسلامی در مخاطره است. در این زمینه، اگرچه به نظر می‌رسد با استناد به قواعد دیگری همچون نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضلال، قاعده مصلحت و امر به معروف و نهی از منکر، وجوب فیلترینگ سایت‌های انحرافی قابل استنتاج است، اما ممکن است این عمل ظاهراً با قاعده لاضرر در تعارض باشد؛ زیرا برخی از این سایت‌ها علاوه بر محتوای انحرافی، اطلاعات علمی مفید هم ارائه می‌دهند که فیلتر کردن آن‌ها ممکن است منجر

به ضرر علمی به بازدیدکنندگان شود. با این حال، باید توجه داشت که ضرر ناشی از دسترسی آزاد به محتوای مضر که شامل انحرافات دینی، فساد اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، بسیار بزرگتر و گسترده‌تر از ضرر علمی ناشی از فیلترینگ است؛ بنابراین، فیلترینگ به عنوان اقدامی پیشگیرانه برای حفظ مصالح کلان جامعه ضروری است.

در مواردی که تعارض یا تراحم بین قواعد فقهی وجود دارد، مانند قاعده لاضرر و قواعد نفی سبیل و مصلحت، قاعده‌ای که اولویت و اهمیت بیشتری دارد (نفی سبیل و مصلحت) مقدم شناخته می‌شود و باید اجرای آن بر دیگری ترجیح داده شود. همچنین، معیار انتخاب در میان دو ضرر، کمتر بودن شدت آن ضرر است؛ بنابراین اگر فیلترینگ ابزاری برای جلوگیری از ضرر بزرگتر باشد، باید آن را پذیرفت. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۶۳) در نتیجه، بر اساس قاعده لاضرر و سایر قواعد فقهی مرتبط، فیلترینگ سایت‌های انحرافی که حتی اطلاعات علمی مفیدی را هم شامل می‌شوند، جهت حفاظت از امنیت روانی، فرهنگی و دینی جامعه اسلامی و مقابله با سلطه دشمنان، نه تنها جایز بلکه واجب است؛ چراکه این اقدام از بروز آسیب‌های جدی‌تر جلوگیری می‌کند.

این قاعده مبنای فقهی مداخله حکومت برای دفع ضررهای مهم از جامعه و تحقق مصالح عمومی است. این قواعد، انعطاف‌پذیرترین معیارها برای حکمرانی در شرایط متغیر هستند و از مصادیق مجاز فیلترینگ محتوایی است که ضرر قطعی یا بسیار محتمل و قابل اثبات به فرد یا جامعه وارد می‌سازد. مصادیق شامل:

- ضرر جانی و روانی: آموزش روش‌های خودکشی، عضوگیری برای گروه‌های آسیب‌زا به سلامت روان، یا انتشار محتوای خشونت‌بار شدید.
- ضرر اقتصادی و امنیتی: انتشار اطلاعات محرمانه اقتصادی - امنیتی کشور، آموزش روش‌های کلاهبرداری گسترده اینترنتی.
- ضرر اجتماعی (مصلحت عمومی): شایعه‌پراکنی سازمان‌یافته در بحران‌های ملی (مانند سلامت یا امنیت غذایی) که موجب هرج و مرج گسترده می‌شود.
- مرزهای قاعده و محتوای غیرقابل شمول: اعمال این قاعده نیازمند سنجش دقیق و تناسب است.
- اصل تناسب: مداخله (فیلترینگ) باید متناسب با شدت و قطعیت ضرر باشد. برای یک شایعه کم‌آثر، هشدار یا تصحیح آن از حذف کامل مناسب‌تر است.

- اصل کم‌مداخله‌ترین راه: حکومت موظف است از میان راه‌های ممکن برای دفع ضرر، راهی را انتخاب کند که کمترین مداخله در حقوق دیگران را داشته باشد. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۶۳)
 - بیان مشکلات اجتماعی یا انتقاد از عملکرد مسئولان، به خودی خود «ضرر» محسوب نمی‌شود، حتی اگر برای حکومت ناخوشایند باشد.
- درجه اولویت: اولویت آن متغیر و وابسته به شدت ضرر است. ضررهای جانی و امنیتی درجه یک، اولویت بالا و ضررهای اجتماعی با درجه پایین‌تر، اولویت کمتری دارند و ممکن است راه‌حل‌های غیر از فیلترینگ در آن‌ها ارجح باشد.

۵-۳. قاعده اهم و مهم

قاعده اهم و مهم، یکی از قواعد کلیدی در فقه است که بر اساس آن امور مهمتر بر اموری که اهمیت کمتری دارند، ترجیح داده می‌شود. این قاعده ریشه در عقل و استدلال عقلی دارد و در مواردی که شریعت به صورت مستقیم به آن اشاره نکرده، بیاناتی که در حمایت از آن مطرح شده، باید به صورت ارشادی و تأییدی بر این اصل عقلانی تفسیر گردد. این قاعده عمدتاً درباره زمانی به کار می‌رود که دو حکم در مقام امثال امر و ضرورت، با یکدیگر تزامم پیدا می‌کنند و باید یکی را بر دیگری ترجیح داد. برای نمونه، زمانی که جان یک انسان در خطر است و نجات آن مستلزم ورود بدون اجازه به ملک دیگری باشد، عقل حکم می‌کند که حفظ جان، اهمیت بیشتری نسبت به حرمت ورود به ملک دیگر دارد؛ بنابراین در این مورد، وارد شدن به ملک در جهت نجات جان نه تنها حرام نیست، بلکه واجب است. در این وضعیت، قاعده اهم و مهم، حکم به ترجیح جان انسان بر حرمت مال می‌دهد و عمل به حفظ جان اولویت دارد. از جمله کاربردهای این قاعده می‌توان به مواردی اشاره کرد که مصلحت جمعی بر مصلحت فردی اولویت پیدا می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۱، ص ۱۷۲) این قاعده نقش مهمی در حل تناقضات و تعارضات میان احکام شرعی ایفا می‌کند و به فقیه و مجتهد اجازه می‌دهد تا با اتکا به عقل و ضرورت، حکم به انتخاب اولویت مهمتر بدهد. در نتیجه، قاعده اهم و مهم ابزار کارآمدی برای موقعیت‌هایی است که تعارض میان مصالح و احکام مختلف وجود دارد و باید بهترین و مهم‌ترین حکم اجرا گردد؛ بنابراین کاربرد این قاعده در فیلترینگ به صورت تنظیم‌گر اعمال معیارهای پیشین است. برای مثال:

- اگر نظارت بر یک شبکه اجتماعی برای کشف یک شبکه جاسوسی (مهم‌تر) مستلزم نظارت گسترده بر ارتباطات خصوصی بسیاری از کاربران (مهم) باشد، قاعده اهم و مهم در صورت احراز شرایط دقیق (تناسب، ضرورت و کنترل قضایی) ممکن است نظارت محدود و متمرکز را تجویز کند.
- اما تأکید می‌شود که این قاعده هرگز به معنای مجوز نقض کلی حریم خصوصی نیست. بلکه تنها در موارد استثنایی، قطعی و با رعایت شدید شرایط فوق قابل استناد است. سوءاستفاده از این قاعده برای نظارت عمومی و بی‌ضابطه، مخالف روح شریعت است.

۳-۶. اصل امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از این مبانی، فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر است که از حیطة تکلیف فردی فراتر رفته و به سطح یک وظیفه حاکمیتی ارتقا یافته است. بر اساس این دیدگاه، حکومت اسلامی به مثابه ولی امر موظف است شرایطی را در جامعه فراهم کند که کارهای نیک (معروف) رواج یابد و کارهای زشت و ناپسند (منکر) محدود و محو شود. این تکلیف در عصر دیجیتال و در مواجهه با فضای بی‌حد و مرز اینترنت، خود را در قالب سیاست‌گذاری پالایش محتوا یا همان فیلترینگ نشان می‌دهد.

از منظر طراحان این سیاست، فضای مجازی محل تلاقی فرهنگ‌ها و اندیشه‌هاست و اگر بدون مدیریت رها شود، می‌تواند به ابزاری برای تهاجم فرهنگی، تضعیف ارزش‌های اسلامی - ایرانی و تسهیل ارتکاب منکرات تبدیل شود؛ بنابراین، حاکمیت اسلامی به استناد همین فریضه دینی، مسئولیت می‌یابد که با ایجاد زیرساخت‌های فنی و قانونی، از ورود و گسترش محتوایی که مصداق منکر شناخته می‌شود مانند مطالب مستهجن، توهین‌آمیز به مقدسات، تبلیغ خشونت، اشاعه فساد و فحشا، ترویج بی‌بندوباری اخلاقی و یا تهدیدکننده انسجام ملی جلوگیری کند. در این چارچوب، فیلترینگ نه یک سانسور خودسرانه، بلکه تجلی عینی نهی از منکر در سطح کلان و حاکمیتی قلمداد می‌شود.

استدلال‌های حامیان این رویکرد را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: نخست، استدلال فقهی که بر تفسیر نوین از دامنه مسئولیت حکومت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد. (غفاری و آل بویه، ۱۴۰۳، ص ۱۷۵) در این نگاه، مقابله با آسیب‌های گسترده فضای

مجازی، از توانایی افراد خارج است و نیازمند مداخله نظام‌مند نهادهای حکومتی است. دوم، استدلال مصلحت‌اندیشانه که بر محافظت از جامعه، به ویژه نسل جوان، در برابر آسیب‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی تأکید می‌کند. سوم، استدلال هویتی و فرهنگی که فیلترینگ را دیواری دفاعی برای صیانت از فرهنگ بومی در برابر هجوم بی‌امان فرهنگ بیگانه می‌داند. چهارم، استدلال امنیت ملی که فیلترینگ را برای مقابله با جنگ روانی، شایعه‌پرازی و اقدامات خرابکارانه دشمنان ضروری می‌شمارد.

۴. چالش فیلترینگ با حریم خصوصی شهروندان

در عصر حاضر، توسعه فناوری‌های ارتباطی و گسترش روزافزون فضای مجازی، زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های نوظهوری در حوزه حقوق اشخاص شده است. در این میان، حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان، در معرض تهدیدات جدی قرار دارد. اگرچه در نظام حقوقی اسلام، آزادی‌های فردی از جایگاه والایی برخوردار است، این آزادی‌ها مطلق نبوده و در موارد تزاخم با مصالح عمومی یا حقوق دیگران، محدود می‌شوند. با این حال، اجرای سیاست‌های فیلترینگ به منظور مقابله با تهدیدات سایبری، خود می‌تواند به عاملی برای نقض حریم خصوصی تبدیل شود. نظارت گسترده بر محتوای تبادل‌شده، ردیابی فعالیت‌های کاربران و جمع‌آوری داده‌های شخصی، در صورت فقدان چارچوب‌های قانونی شفاف و ضمانت‌های اجرایی کافی، به سادگی به حریم خصوصی افراد تجاوز می‌کند. این اقدامات اگر فاقد پشتوانه قانونی مشخص و نظارت قضائی مؤثر باشند، نه تنها اعتماد عمومی را مخدوش می‌کنند، بلکه می‌توانند خود به ابزاری برای سوءاستفاده تبدیل شوند.

از منظر حقوقی، دسته‌بندی جرایم سایبری - اعم از جرایم علیه صحت داده‌ها، جرایم مالی، جرایم علیه عفت عمومی، هتک حیثیت و نشر اکاذیب و جرایم علیه محرمانگی داده‌ها (امامی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۴۱) - لزوم مقابله نظام‌مند با این پدیده را نشان می‌دهد. در این زمینه، فیلترینگ می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای پیشگیرانه در کنار سایر فرایندهای تقنینی و قضائی مورد توجه قرار گیرد؛ اما پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان میان «ضرورت نظارت» برای تأمین امنیت عمومی و «حق بر حریم خصوصی» شهروندان تعادل ایجاد نمود؟ به بیان دیگر، چالش اصلی نه در اصل مشروعیت فیلترینگ که در حدود و شیوه اجرای آن نهفته است. فقدان قوانین شفاف در تعریف دقیق مصادیق محتوای ممنوعه، تعدد نهادهای ناظر فاقد

هماهنگی و عدم پیش‌بینی مکانیسم‌های نظارتی مستقل بر عملکرد این نهادها، از جمله عواملی هستند که موجب گسترش دامنه نظارت‌ها و افزایش احتمال نقض حقوق شهروندان می‌شوند؛ بنابراین، حل این تعارض مستلزم تدوین چارچوب‌های حقوقی دقیق، شفاف و قابل نظارت است.

فیلترینگ شامل نظارت گسترده بر فعالیت‌های برخی شهروندان است که می‌تواند حریم خصوصی افراد را مورد تهدید قرار دهد. این نظارت‌ها ممکن است شامل بررسی داده‌ها و ارتباطات برخی و اطلاعات شخصی باشد. جمع‌آوری و تحلیل این داده‌ها برای مسدود کردن محتوای غیر مجاز، می‌تواند منجر به سوء استفاده گردد. به همین منظور در قوانین عادی و قانون اساسی ایران، تضمینات قانونی برای رعایت حریم مراسلات و ارتباطات جهت بازرسی و نرساندن لحاظ شده است. چنانچه بر اساس اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند و در اصل ۲۳ آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد...». در اصل ۲۵ قانون اساسی که مهم‌ترین اصل در ارتباط با حریم خصوصی است آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری، کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد».

در قانون آیین دادرسی کیفری نیز شرایط و تشریفات خاصی در مورد تفتیش و بازرسی مراسلات و مکاتبات مقرر نموده است. چنانچه در ماده ۱۳۹ این قانون آمده است: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامن باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد» و همچنین در ماده ۱۴۶ مقرر می‌دارد: «از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود.

بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آن‌ها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود».

با توجه به موارد مذکور؛ در غیر از مواردی که قانون اجازه بازرسی و تفتیش مراسلات و مکاتبات را داده است، چنانچه یکی از کارکنان و مأموران دولتی اقدام به ضبط و افشای مراسلات و مکاتبات نماید، قانونگذار در ماده ۵۸۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده^۱ او را قابل مجازات دانسته است البته قانون در مورد نقض حریم خصوصی اشخاص توسط اشخاص عادی ساکت مانده است که این از خلاهای قانونی می‌باشد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۸، ص ۴۷۴)

نظارت بر فضای مجازی در ایران پیچیدگی‌های فراوانی دارد که نسبت به بسیاری از کشورها این فرآیند را دشوارتر می‌سازد. یکی از مشکلات اصلی فقدان قوانین مشخص و جامع در حوزه‌های مختلف فضای مجازی است؛ از جمله تعاریف دقیق و تعیین حدود مربوط به حریم خصوصی، شناخت کامل جرایم سایبری و تعیین دقیق مصادیق آن‌ها و همچنین تدوین مجازات‌های متناسب و کارآمد برای هر نوع تخلف. علاوه بر این، تعدد نهادهای نظارتی فعال در این حوزه باعث شده تا مسئولیت و حوزه وظایف هر کدام به طور روشن تعیین نشده باشد. این ابهام موجب پیچیدگی نظارت و افزایش پرسش‌ها در خصوص اینکه کدام نهاد به صورت اختصاصی وظیفه قانونگذاری و نظارت بر فضای مجازی را برعهده دارد، شده است. چنین وضعیتی تعارض میان حق حریم خصوصی کاربران و ماهیت نظارت‌های اعمال شده را تشدید می‌کند، چرا که کاربران به طور مشخص نمی‌دانند کدام ارگان یا سازمان بر فعالیت‌های‌شان نظارت دارند و احتمال دستیابی چندین نهاد مختلف با رویکردها و عملکردهای گوناگون به اطلاعات آن‌ها وجود دارد.

از این رو، نخستین گام در جهت رفع این تعارض، شفاف‌سازی و تدوین دقیق تعاریف مرتبط با حریم خصوصی و تعیین مرزها و حوزه‌های مربوط به آن است، زیرا نبود قانون روشن منجر به اعمال سلیق شخصی در مواجهه با مسائل حریم خصوصی خواهد شد. در مرحله

۱. ماده ۵۸۲ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از ۲۶۴/۰۰۰/۰۰۰ تا ۸۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد».

بعد، می‌بایست نهادی مشخص و مستقل برای نظارت بر فضای مجازی تعیین شود که وظایف و اختیاراتش به روشنی از دیگر ارگان‌های نظارتی و اجرایی تفکیک شده باشد. در شرایط کنونی، وظیفه نظارت بر انتشار محتوای صوتی و تصویری فراگیر بر عهده سازمان صدا و سیما است و تعیین معیارها و مصادیق مربوط به این عرصه بر عهده شورای عالی فضای مجازی قرار دارد؛ همچنین، مسئولیت نظارت بر انتشار محتوای غیر فراگیر به اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی واگذار شده که صدور مجوز فعالیت کاربران در فضای مجازی نیز بر عهده همین اتحادیه است. (سرحدی و طاهری، ۱۳۹۹، ص ۱۳۹) بنابراین گستره مجاز دخالت دولت در حریم خصوصی شهروندان بر دو اصل می‌باشد:

۱. اصل نظارت قضایی مستقل: مجوز نظارت یا تعرض به حریم خصوصی (مانند استراق سمع یا دسترسی به داده‌های ارتباطی) باید با حکم مقام قضایی صالح و برای موارد مشخص و محدود صادر شود. نظارت عمومی و بی‌ضابطه، حتی با توجیه امنیتی، مغایر با اصول فقهی و قانون اساسی است. (نظریه مشابه: منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۸)
۲. اصل شفافیت و پاسخگویی: نهادهای مجری فیلترینگ موظفند گزارش‌های دوره‌ای و شفافی از عملکرد خود، معیارهای تشخیص و حجم مداخلات انجام شده ارائه دهند. ایجاد هیأت مستقل نظارت با مشارکت نمایندگان قوه قضائیه و مجلس می‌تواند تضمینی برای این اصل باشد.

۵. استثنائات وارده بر منع نقض حریم خصوصی

مسئله تعارض میان نظارت بر فضای مجازی با هدف تأمین امنیت ملی و همزمان حفظ حقوق و حریم خصوصی کاربران، از مهم‌ترین موضوعات بحث برانگیز در میان پژوهشگران و صاحب نظران است. در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است؛ برخی به حفظ کامل حریم خصوصی کاربران تأکید دارند و هرگونه نقض آن را غیرقابل قبول می‌دانند، در حالی که گروهی دیگر امنیت ملی را محور اصلی قرار داده و معتقدند ممکن است برای حفظ آن، محدودیت‌هایی در عرصه حریم خصوصی قابل پذیرفته باشد. دسته‌ای نیز به دنبال یافتن راه حلی متعادل هستند که ضمن حفظ امنیت، حریم خصوصی کاربران نیز به طور معقول رعایت شود. به بیان برخی صاحب نظران، «توجه به مسائل امنیتی باید تا حدی توسط حاکمیت کنترل شود که خود موجب ورود ناموجه به حریم خصوصی و امنیت اطلاعات افراد نشود؛ چون

نظارت بی‌رویه و گسترده حکومتی می‌تواند خود عامل اختلال در امنیت فردی و حریم خصوصی شهروندان شود». (عباسیان، افشانی و اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۸۵) اما آنچه که ما با تحقیق و تفحص در این مسئله دریافتیم این است که؛ اگرچه در متون فقهی و حقوقی موارد جایز برای نقض حریم خصوصی به طور روشن و تحت این عنوان مطرح و یا دسته‌بندی نگردیده است ولی در بین آن‌ها می‌توان مواردی را ملاحظه نمود که به نوعی نقض حریم خصوصی در شرایط خاص به منظور کسب اطلاع بنا به مقاصد امنیتی نظام را جایز و در برخی موارد لازم دانسته‌اند که از جمله آن‌ها عبارتند از:

- حفاظت از امنیت داخلی و خارجی؛
- مقابله با جرایم؛ ضابطین با دستور مقام قضایی، در صورتی که شواهد معتبر از وقوع جرم وجود داشته باشد، می‌توانند به حریم خصوصی افراد ورود پیدا نمایند؛
- حفاظت از حقوق دیگران؛ در مواردی همچون خشونت خانگی، ورود به حریم خصوصی افراد به منظور حفظ حقوق سایرین لازم می‌باشد؛
- اجبار قانونی؛ در برخی از موارد، نظارت جهت تأمین منافع عمومی مانند مالیات یا بهداشت مجاز می‌باشد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۵۸)

البته باید دقت شود که نظارت‌های وسیع و فیلترینگ اطلاعات برخط می‌توانند تهدیدهایی برای حریم خصوصی شهروندان ایجاد کند. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها برای مسدود کردن محتواهای غیرمجاز ممکن است به سوء استفاده از اطلاعات شخصی منجر شود؛ بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، توازن میان امنیت عمومی و حفظ حقوق فردی است. لزوم احترام به حریم خصوصی و حقوق فردی در جوامع دموکراتیک امری بنیادین است. هرگونه نقض این حقوق باید به دقت و تحت شرایط خاص و با نظارت‌های قانونی صورت پذیرد. در نهایت، قوانین و سیاست‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که توانایی حکومت برای نظارت و کنترل در مواقع بحران، در عین حال حفظ حریم خصوصی شهروندان را نیز تضمین کند. البته لازم به ذکر است که فیلترینگ مدرن، تنها به مسدودسازی یک آدرس اینترنتی ختم نمی‌شود. برای اجرای مؤثر آن، نهادهای مسئول ناگزیر از نظارت، رهگیری و تحلیل جریان داده‌ها هستند تا محتوای ممنوعه را شناسایی کنند. این فرآیند، ذاتی معارض با حریم خصوصی دارد که شامل؛ نظارت بر ترافیک ارتباطات، داده‌کاوی و پروفایل‌سازی، شناسایی کاربران است. اینجاست که تراجم عملی بین معیارهای فیلترینگ مستخرج از بخش ۵ و حریم خصوصی پدیدار می‌شود.

برای حل این تزاخم، نمی‌توان یک‌سویه به نفع یکی از طرفین حکم داد. راه حل، بازگشت به اصول ثانویه و قواعد حاکم بر تزاخم در فقه و حقوق است. چارچوب پیشنهادی برای ایجاد تعادل به شرح زیر است:

۱. اصل لزوم قانونی بودن (حکم قانون): هرگونه نظارت یا تعرض به حریم خصوصی در فرآیند فیلترینگ، حتماً و حتماً باید به موجب قانون خاص، صریح و واضح باشد که حدود، شرایط، مرجع مجاز و ضمانت‌های نظارتی آن را مشخص کرده باشد (اصل ۲۵ قانون اساسی). این قانون باید مبتنی بر معیارهای فقهی بخش ۵ باشد.

۲. اصل تناسب^۱ مداخله در حریم خصوصی:

* مناسب باشد (واقعاً برای تحقق هدف مشروع فیلترینگ ضروری باشد).

* ضروری باشد (راه ملایم‌تر و کم‌مداخله‌تری برای رسیدن به همان هدف وجود نداشته باشد. مثلاً، در بسیاری موارد «برچسب‌زنی محتوا» یا «درجه‌بندی سنی» از «حذف کامل» کم‌مداخله‌تر است).

* متعادل باشد (مزایای تحقق یافته برای منفعت عمومی، باید بیش از آسیب وارده به حق حریم خصوصی باشد).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش با هدف ترسیم حدود مجاز فیلترینگ فضای مجازی از منظر فقه امامیه نشان داد که حکمرانی مشروع در این عرصه، نه در نفی یا اثبات مطلق این ابزار که در تعیین دقیق معیارهای عینی تشخیص و رعایت مرزهای تحدیدکننده آن نهفته است. از یک سو، قواعد فقهی کلان مانند نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضلال، لاضرر، امر به معروف و نهی از منکر و مصلحت، هنگامی که از چارچوب انتزاعی خارج شده و به عنوان غالبی برای شناسایی مصادیق مشخص به کار گرفته شوند و گستره مجاز اعمال فیلترینگ را در حوزه‌هایی نظیر تهدیدات امنیت ملی، ترویج سازمان‌یافته الحاد و محتوای دارای ضرر جانی قطعی را ترسیم کنند. از سوی دیگر، حریم خصوصی شهروندان - با پشتوانه‌ای استوار در متون فقهی و قانون اساسی - به عنوان قاعده‌ای رقیب و محدودکننده، اعمال هر یک از معیارهای فوق را منوط به رعایت اصول لزوم قانون، تناسب، ضرورت و نظارت قضایی می‌سازد. حال، یافته‌ها حاکی از

1. Proportionality

آن است که اجرای این سیاست، در صورت فقدان چارچوب‌های دقیق، با حقوق شهروندی به ویژه حریم خصوصی در تعارض قرار می‌گیرد؛ بنابراین، تحقق توأمان امنیت سایبری و صیانت از حقوق فردی، منوط به رعایت اصول تناسب، شفافیت، نظارت مستمر و پاسخگویی در فرآیند فیلترینگ است. بر اساس یافته‌های فوق و در راستای عملیاتی‌سازی این تعادل فقهی - حقوقی پیشنهادهای زیر در دو سطح سیاست‌گذاری و اجرا ارائه می‌گردد:

۱. تدوین سند راهبردی فیلترینگ مبتنی بر معیارهای شفاف

پیشنهاد می‌شود نهادهای ذی‌ربط، سندی جامع شامل فهرست دقیق مصادیق محتوای ممنوعه، دستورالعمل‌های اجرایی و ضمانت‌های حقوقی حفظ حریم خصوصی را تدوین و به صورت عمومی منتشر نمایند. این سند باید مبتنی بر اصل تناسب باشد و محدودیت‌ها را مستقیماً به مصادیق مشخص و ضروری مرتبط سازد.

۲. ایجاد سازوکار نظارتی مستقل و چندلایه

تأسیس نهاد ناظر مستقل با مشارکت نمایندگان قوه قضائیه، مجلس و نهادهای مدنی پیشنهاد می‌شود. این نهاد باید بر روند فیلترینگ، انطباق آن با قوانین و عدم نقض حریم خصوصی نظارت داشته و موظف به ارائه گزارش‌های دوره‌ای و شفاف به عموم باشد.

۳. استقرار نظام درجه‌بندی دسترسی بر اساس کاربری

به جای سیاست یکسان‌سازی، پیشنهاد می‌شود دسترسی کاربران بر اساس نیاز و صلاحیت حرفه‌ای (مانند پژوهشگران، اصحاب رسانه و متخصصان) درجه‌بندی شود. این نظام باید با احراز هویت الکترونیک مطمئن و تعریف سطوح دسترسی مشخص همراه گردد تا هم نیازهای تخصصی تأمین شود و هم از گسترش غیرضروری نظارت جلوگیری گردد.

۴. توسعه و توانمندسازی شبکه ملی اطلاعات به مثابه راهبرد کلان

به عنوان راهکاری زیرساختی، شتاب بخشیدن به توسعه شبکه ملی اطلاعات و بومی‌سازی سرویس‌های پلتفرمی پیشنهاد می‌گردد. این امر ضمن کاهش وابستگی به زیرساخت‌های خارجی، امکان مدیریت کارآمدتر و مبتنی بر حاکمیت ملی بر فضای مجازی را - با رعایت بهتر استانداردهای حقوق شهروندی - فراهم می‌آورد.

تحقق این پیشنهادات، گامی عملی به سمت تبدیل فیلترینگ از یک اقدام سلبی و غیرشفاف، به یک سیاست تنظیمی مسئولانه، مبتنی بر قانون و محترم به حقوق شهروندی خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۴). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی (ج ۲). تهران: میزان.
۳. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). تحریر الوسیله (ج ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۴. _____ (۱۳۴۹). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۵. امامی، سید حسن (۱۳۳۵). حقوق مدنی (ج ۱). تهران: اسلامیه.
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۳۰ق). کفایه الاصول (ج ۳). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. آزادی، جواد (۱۳۹۸). امنیت سایبری یا امنیت فضای مجازی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۸. آقابابایی، حسین (۱۳۹۶). حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۰). قواعد فقه (ج ۱). تهران: مجد.
۱۰. جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. بازیابی شده از https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
۱۱. _____ (۱۳۷۵). قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده). بازیابی شده از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92683>
۱۲. _____ (۱۳۹۲). قانون آیین دادرسی کیفری. بازیابی شده از https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/93219
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (الشیخ حرّ العاملی) (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ج ۱۷). قم: انتشارات مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۴. حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۶). «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی». نشریه پژوهشی حکومت اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۲، ص ۲۷-۵۶.
۱۵. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای. (بی‌تا). بازیابی شده از <https://www.khamenei.ir>

۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا (ج ۱۹). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. سرحدی، کاظم و محسن طاهری (۱۳۹۹). «جستاری در اعمال نظارت مطلوب بر انتشار صوت و تصویر در فضای مجازی از منظر حقوقی». فصلنامه حقوق اداری، دوره ۸، شماره ۲۵، ص ۱۶۰-۱۳۹. <https://qjal.smtc.ac.ir/article-1-775-fa.html>
۱۸. صدر، محمد باقر (۱۴۰۶ق). دروس فی علم اصول (ج ۱). بیروت: دار الکتب اللبنانی.
۱۹. طلوعی، محمد (۱۳۸۴). تاریخچه اینترنت. تهران: قدیانی.
۲۰. عباسیان، کوروش، سیدعلیرضا افشانی و حسین اسلامی (۱۳۹۸). «چالش‌های مرتبط با نقش دولت در فضای مجازی، ارائه یک نظریه زمینه‌ای». نشریه پرستار و پزشک در رزم، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۸۱-۹۲.
۲۱. غفاری، حسن و علی آل بویه (۱۴۰۳). «حاکم اسلامی و مسئولیت اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی». فقه و سیاست، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۶۳-۱۹۱. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72252.1082>
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهية. قم: چاپخانه مهر.
۲۳. فیروزآبادی، سیدابوالحسن و جواد احمدآبادی (۱۴۰۰). «تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران». نشریه دانش سیاسی، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۵۶۳-۵۹۸. <https://doi.org/10.30497/pk.2020.75410>
۲۴. کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۸). مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه. تهران: عروج.
۲۵. گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۸۸). در تکاپوی حقوق اساسی. تهران: انتشارات جنگل.
۲۶. محقق حلی، ابو القاسم جعفر بن حسن (بی تا). شرایع الاسلام (ج ۲). قم: بنیاد معارف اسلامی.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸). مجموعه آثار (ج ۲۱). تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۸). حقوق ارتباطات. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۲۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه (ج ۱). قم: تفکر.
۳۰. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۷۸). جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.
۳۱. نائینی، میرزاحمدحسین (۱۳۷۶). فرآیند الاصول (ج ۳). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۲. نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۴). «الگوی سیاست‌های فرهنگی ارتباطی حاکم بر تنظیم مقررات شیوه پالایش فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۳۳. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۹۱). احکام حکومتی. قم: انتشارات زمزم هدایت.

